



عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست

امیر احمدپور^۱، معصومه افضلی^۲

چکیده

هدف تحقیق توصیفی- تحلیلی حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست است. ابزار تحقیق پرسشنامه ای است که روایی و پایایی آن با استفاده از نظرات متخصصان و آزمون آلفای کرونباخ ($0/80 < \alpha < 0/92$) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زنان روستایی در شهرستان ساری است ($N=94322$) که ۳۰۱ نفر براساس جدول کرجسی و مورگان به عنوان نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تناسبی انتخاب شدند ($n=301$). نتایج توصیفی تحقیق نشان دادند که میزان توانمندسازی بیشتر پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست در سطح متوسط است. نتایج یافته های تحلیلی نیز نشان دادند که رابطه معنی داری بین ویژگی های فردی، اطلاعاتی، آموزشی و شخصیتی پاسخگویان با میزان توانمندسازی آنان در حفاظت از محیط زیست وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین ها نشان داد که تفاوت معنی داری بین میزان توانمندسازی پاسخگویان مالک و غیرمالک زمین زراعی در حفاظت از محیط زیست وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که ویژگی های شخصیتی، میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی، میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی ۵۴/۳۰ درصد از تغییرات میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست را تبیین می کنند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، حفاظت از محیط زیست، زنان روستایی، شهرستان ساری.

^۱ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
^۲ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری



مقدمه

امروزه محیط زیست با تهدیدات عمده ای مانند گسترش بیابان، تخریب جنگل ها و مراتع و غیره روبه رو است. اگرچه مجموعه ای از عوامل محیطی (نوسان های اقلیمی، زلزله، سیل و غیره) و انسانی (برنامه ریزی های کالبدی و سایر اقدامات) در به وجود آمدن شرایط فوق دخیل هستند، اما با گذر زمان تأثیر عوامل انسانی در تغییر شرایط محیطی رو به افزایش بوده و این عامل، چه به لحاظ ویژگی های کمی (افزایش جمعیت) و چه ویژگی های کیفی (نحوه روابط انسان با محیط زیست) با فرهنگ بهره برداری مضاعف با طبیعت برخورد می کند که در این میان، فضاهای روستایی از اهمیت و توجه مضاعفی برخوردار هستند، چرا که بخش عظیمی از منابع معیشتی آنان در ارتباط با بهره برداری از منابع محیطی متکی است (عزمی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۹). این وضعیت در ایران حالتی بحرانی به خود گرفته است بطوریکه بنابر گزارش های جهانی، نزول شاخص عملکردی محیط زیست در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال های قبل منجر به تنزل ایران به رتبه ۱۱۴ در میان کشورهای جهان شده است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱). از این رو، فرهنگ سازی در جهت حفاظت از محیط زیست مبتنی بر توسعه پایدار ضروری است. با توجه به نقش مدیریت مشارکتی در حفظ محیط زیست و با توجه به نقش کارکردی زنان در جوامع انسانی، زنان نقش مهمی در آموزش و فرهنگ سازی برعهده دازند (حیدری و جهان نما، ۱۳۸۲). مشارکت فعال زنان در جهت نهادینه کردن فرهنگ زیست محیطی و ضرورت ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به توسعه پایدار امری است که جهانیان آن را پذیرفته و بر آن تأکید دارند. در واقع زنان فرهنگ سازان توسعه پایدار به شمار می آیند. حضور کارآمد و فعال زنان و نیز توانمند سازی آنها در چارچوب بهبود سطح زندگی، مشارکت در تصمیم گیری های کلان توسعه و دستیابی آنها به جایگاه برابر در پرتو رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز آموزش مسائل زیست محیطی باعث می شود که فرآیند آموزش و در نتیجه حفاظت از محیط زیست تا درونی ترین لایه های اجتماع نفوذ کرده و بدون متحمل شدن هزینه های مازاد به طور غیرمستقیم بسیاری از افراد جامعه آموزش دیده و با توجه مسئولیت چند سویه زنان و نیز نقش آنها در تربیت نسل های آینده، فرهنگ زیست محیطی نهادینه شود (وسکوئی اشکوری و لاهیجانیان، ۱۳۸۹). نظریه های گوناگونی در زمینه نقش زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست مطرح است. برخی معتقد هستند که زنان به دلیل زن بودن و فطری بودن علاقه و توجه شان به محیط زیست بهتر از مردان می توانند در حفاظت از محیط زیست نقش داشته باشند. گروه دیگری معتقد هستند که زنان نه به جهت زن بودنشان، بلکه به علت تجربه هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن دارند، بیش از مردان در حفظ محیط زیست نقش داشته و دارند (یوسفیان، ۱۳۸۷). در این راستا، آقاجانی میر (۱۳۸۷) نیز اظهار می دارد که تحقق چشم انداز توسعه در زمینه حفاظت از محیط زیست وابسته به برخورداری جامعه از زنان توانمند است. اسماعیلی (۱۳۸۶) توانمندسازی زنان را مترادف با قدرت بخشی به آنان می داند. وی در ادامه بیان می دارد که این رویداد پیامدهایی برای سایر نهادها نیز در پی خواهد داشت که به نوبه خود می تواند تأثیرات زیادی بر کل جامعه داشته باشد. گرمی پورشمس آبادی (۱۳۸۷) از توانمندسازی زنان به توانمند سازی نهادی تعبیر می کند که آنان را قادر به کنترل بر دارایی های مادی، منابع فکری و ایدئولوژی می کند. پس، توانمندسازی به زعم وی، نه تنها با شناسایی نیروهای سیستماتیک آغاز می شود بلکه با تغییر روابط قدرت موجود هم در ارتباط است. حاجی ابراهیمی (۱۳۸۲) نیز توانمندسازی زنان را معادل خودباوری، افزایش اعتماد به نفس، مهارت حل مسئله و مدیریت بر خویشتن می داند. نظریه های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکاء به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). توانمندسازی زنان روستایی یکی از اهداف توسعه از دیدگاه انسانی و عدالت محورانه است، در واقع، به معنای افزایش شناخت، خودآگاهی، قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است (شادی طلب، ۱۳۸۴). توانمندسازی زنان روستایی هم از جهت مشارکت آنان در تصمیم گیری ها در زمینه های گوناگون و هم از جهت کسب بیشتر منافع و منابع برای خود و خانواده شان حائز اهمیت است (International Development Research Centre, ۲۰۰۳).

به طور کلی، حفاظت از محیط زیست جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار ضروری است و در این راستا، مشارکت زنان روستایی جهت نیل هر چه سریع تر و مناسب تر به این اهداف نیز ضروری خواهد بود. تحقیقات متعددی درباره نقش زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست و توانمندی آنان صورت گرفته است که از جمله آنان می توان به عزمی و مطیعی لنگرودی (۱۳۹۰) اشاره داشت. آنان در تحقیق خویش نشان می دهند که عمده مشکلات زیست محیطی روستاها شامل فرسایش خاک، نبود سیستم های دفن زباله و عدم وجود خطوط



فاضلاب به همراه کمبود آب می باشد. همچنین آنها مدیریت محیط زیست، کنترل کاربری های اراضی، آموزش، مشارکت، استفاده از کشت های دوستدار طبیعت، الگوهای پایدار به همراه کشت محصولات ارگانیک را از اقدامات کشورهای مختلف جهان در روستاها در جهت توسعه محیط زیست روستایی می دانند. میردامادی و همکاران (۱۳۸۹) نیز نشان می دهند که رابطه مثبت و معنی داری بین متغیر میزان مشارکت مردم در طرح های مربوط به توسعه پایدار با متغیرهای میزان آگاهی از اهداف طرح، افزایش مسئولیت پذیری، افزایش درآمد خانواده، افزایش تولید و دستیابی به اعتبارات جدید وجود دارد. وسکوئی اشکوری و لاهیجانیان (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خویش نشان می دهند که رابطه مثبت و معنی داری بین علاقه مندی نسبت به محیط زیست، نوع آموزش زیست محیطی و نقش زنان در مدیریت محیط زیست وجود دارد. این نتایج در حالی است که در تحقیقی مشابه سطح آموزش افراد، میزان درآمد، سطح تحصیلات، تعداد افراد خانوار و سن افراد بر میزان حفاظت آنان از محیط زیست تأثیر دارند (رفیعی و امیرنژاد، ۱۳۸۸). در تحقیق مشابه دیگری، نشان داده شده است که میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی - ترویجی و کسب اطلاعات از منابع مختلف بر توانمندسازی آنان مؤثر می باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۶). حاجی ابراهیمی (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خویش نشان می دهد که زنان روستایی دارای ویژگی های شخصیتی خاص خود می باشند که استفاده از این قابلیت ها در بسترسازی توسعه پایدار نقش اساسی دارند. کتابی و همکاران (۱۳۸۲) در تحقیقی درباره عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی به متغیرهای سطح تحصیلات، برخورداری از حق مالکیت قانونی و حذف باورهای سنتی اشاره دارند. شریعتی و زیادبخش (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خویش نشان می دهند که رابطه مثبت و معنی داری بین متغیرهای میزان آگاهی از اهمیت و فوائد محیط زیست، مشارکت در کلاس های آموزشی - ترویجی، تأمین سوخت توسط دولت و استفاده افراد از تسهیلات حمایتی با میزان حفاظت آنان از محیط زیست وجود دارد. کارن^۳ (۲۰۰۰) در تحقیق خویش درباره توانمندسازی زنان نشان می دهد که یک الگوی سه مرحله ای شامل آگاهی از علائق شخص، احساس خودکارآمدی و مسئولیت شخصی برای تغییر در توزیع اجتماعی قدرت و به تبع آن بهبود شرایط اجتماعی و رشد علائق مشخص نسبت به برابری هرچه بیشتر برای رشد خودآگاهی زنان وجود دارد. مطالعات و پژوهش های انجام شده در کشور با داشتن اریب جغرافیایی عمدتاً درباره مسائل زنان شهری است و پژوهش درباره توانمندی زنان روستایی قابل توجه نیست. بدیهی است شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست می تواند به عنوان راهنمایی به منظور برنامه ریزی و سیاست گذاری های توسعه پایدار روستایی مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد.

اهداف کلی و اختصاصی

هدف کلی این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان ساری در حفاظت از محیط زیست است. اهداف اختصاصی ذیل برای دستیابی به این هدف کلی مدنظر می باشند:

۱. توصیف ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان؛
۲. ارزیابی میزان توانمندی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست؛
۳. بررسی ویژگی های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست؛
۴. بررسی رابطه بین ویژگی های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی زنان روستایی و میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست؛ و
۵. ارائه مدل پیش بینی کننده میزان توانمندی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ جمع آوری داده ها ماهیت کمی دارد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان روستایی شهرستان ساری در سال ۹۳ - ۱۳۹۲ بود ($N=94322$) که از این میان، تعداد ۳۰۱ نفر به روش نمونه -



گیری تصادفی طبقه‌ای تناسبی به‌عنوان نمونه آماری (احتساب هفت بخش پنبه زارکتی، سمسکنده، آبکسر، هولار، شویلاشت، فریم و کیاسر به‌عنوان طبقات نمونه‌گیری) با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۴ (۱۹۷۰) انتخاب شدند و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید (n=۳۰۱).

جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنظر، پرسشنامه‌ای براساس مرور ادبیاتی پژوهش و نظرخواهی از صاحب‌نظران این حوزه تهیه شد. پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده بود که بخش اول برای ارزیابی میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست (۲۶ گویه) طراحی شده بود. بخش دوم پرسشنامه نیز به بررسی میزان استفاده از منابع اطلاعاتی (۷ گویه)، میزان مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی (۶ گویه)، میزان انگیزه برای حفاظت از محیط زیست (۶ گویه)، ویژگی‌های شخصیتی (۸ گویه)، نگرش نسبت به حفاظت از محیط زیست (۱۳ گویه) و میزان مشارکت پاسخگویان در برنامه‌های حفاظت از محیط زیست (۱۴ گویه) اختصاص داشت. برای اندازه‌گیری متغیرهای بخش‌های اول و دوم پرسشنامه از طیف لیکرت پنج‌قسمتی در دامنه خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵ و برای سنجش میزان نگرش پاسخگویان نسبت به حفاظت از محیط زیست از طیف لیکرت پنج‌قسمتی در دامنه کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، بی‌نظرم=۳، موافقم=۴، کاملاً موافقم=۵ استفاده شده است. در بخش پایانی پرسشنامه نیز به بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای زنان روستایی مانند سن و سطح تحصیلات پرداخته شد. جهت تعیین روایی پرسشنامه، چندین نسخه از آن در اختیار گروهی از متخصصان شامل استادان علوم کشاورزی، محیط زیست و تعدادی از کارشناسان گروه زنان روستایی در مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ساری قرار داده شد و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادات آنها اعمال گردید. جهت تعیین ضریب اعتبار، تعداد ۳۰ پرسشنامه، خارج از پاسخگویان جامعه آماری (شهرستان قائمشهر) توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های مذکور، داده‌ها وارد برنامه آماری SPSS گردید و اعتبار قسمت‌های اصلی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۲ به‌دست آمد. در این تحقیق از روش آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی استیودنت و تحلیل رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. برای پردازش داده‌ها نیز از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ استفاده گردید.

نتایج / یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

میانگین سن پاسخگویان ۴۳ سال با انحراف معیار ۱۰ سال است که بیشترین آنان (۱۰۰ یا ۳۳/۲۰ درصد) در گروه سنی ۵۵-۴۶ سال قرار دارند. سطح تحصیلات اکثر پاسخگویان (۹۱ یا ۳۰/۲۰ درصد) کارشناسی است. همچنین، بیشتر پاسخگویان، متأهل (۲۶۹ یا ۸۹/۴۰ درصد) و مالک زمین زراعی (۱۸۰ یا ۵۹/۸۰ درصد) می‌باشند. میانگین سطح زیرکشت پاسخگویان ۲ هکتار با انحراف معیار یک هکتار است که بیشترین آنان (۶۹ یا ۲۲/۹۰ درصد) دارای سطح زیرکشت ۱-۰/۶۰ هکتار هستند. میانگین میزان درآمد پاسخگویان ۷۵۴ هزار تومان با انحراف معیار ۲۵۴ هزار تومان است که بیشترین آنان (۱۱۸ یا ۳۹/۲۰ درصد) دارای ۷۶۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان درآمد هستند (جدول ۱).

^۴ Krejcie & Morgan



جدول ۱- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان (n=۳۰۱)

متغیرها	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن (سال)	-	-	-	-	۴۲/۸۸	۱۰/۰۷	۲۳	۶۶
سطح زیرکشت (هکتار)	-	-	-	-	۱/۶۰	۱/۰۴	۰/۳۰	۴
میزان درآمد (میلیون تومان)	-	-	-	-	۰/۷۵۴	۰/۲۵۴	۰/۱۰	۱/۵۰
وضعیت مالکیت زمین	مالک	۱۸۰	۵۹/۸۰	۶۵/۹۳	-	-	-	-
	غیرمالک	۹۳	۳۰/۸۹	۳۴/۰۷	-	-	-	-
	بی پاسخ	۲۸	۹/۳۱	-	-	-	-	-
وضعیت تأهل	متأهل	۲۶۹	۸۹/۴۰	۸۹/۴۰	-	-	-	-
	مجرد	۳۲	۱۰/۶۰	۱۰/۶۰	-	-	-	-

ارزیابی میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست

در این تحقیق برای ارزیابی میزان توانمندی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست از ۲۶ گویه در یک مجموعه منظم از عبارات دارای ترتیب خاص و وزن‌های مساوی استفاده شد و پاسخگویان میزان توانمندی خود را در حفاظت از محیط زیست در یک مقیاس پنج قسمتی (از خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) ابراز داشتند. به منظور توصیف کیفی متغیر میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست از روش فاصله انحراف معیار از میانگین^۵ استفاده شده است (صدیقی و احمدپور، ۱۳۸۴). در این روش نحوه تبدیل امتیازات کسب شده به چهار سطح ذیل برآورد شد:

$$A = \text{ضعیف}: \text{Mean} - \text{Sd} < B = \text{متوسط}: \text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean}$$

$$C = \text{خوب}: \text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{Sd} \quad D = \text{عالی}: \text{Mean} + \text{Sd} < D$$

در روابط فوق، میانگین = Mean و انحراف معیار = Sd است.

نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهند که میزان توانمندی اکثریت پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست در سطوح متوسط (۱۴۰) یا ۴۶/۵۰ درصد) و خوب (۹۶ یا ۳۱/۹۰ درصد) است. این وضعیت در حالی است که ۹/۳۰ درصد پاسخگویان میزان توانمندی خویش در حفاظت از محیط زیست را در سطح ضعیف بیان می‌کنند.

جدول ۲- طبقه بندی میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست (n=۳۰۱)

میزان توانمندی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
ضعیف	۲۸	۹/۳۰	۹/۳۰
متوسط	۱۴۰	۴۶/۵۰	۵۵/۸۰
خوب	۹۶	۳۱/۹۰	۸۷/۷۰
عالی	۳۷	۱۲/۳۰	۱۰۰
جمع	۳۰۱	۱۰۰	

میانگین = ۸۳/۸۶ و انحراف معیار = ۱۲/۳۵

^۵ Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)



بررسی ویژگی های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست نتایج جدول شماره (۳) نشان می دهد که میزان مشارکت ۵۱/۸۰ درصد پاسخگویان در برنامه های آموزشی- ترویجی مانند شرکت در دوره های ترویجی و کارگاه های آموزشی نیز در سطح متوسط می باشد. این وضعیت در مورد انگیزه پاسخگویان در رابطه با حفاظت از محیط زیست نیز صدق می کند. نتایج ارزیابی ویژگی های شخصیتی پاسخگویان نیز نشان داد که بیشتر پاسخگویان در رابطه با ویژگیهای فردی مانند میزان اعتماد به نفس و ریسک پذیری در سطح متوسطی قرار دارند. این وضعیت در حالی است که میزان مشارکت بیشتر پاسخگویان (۶۰/۸۰ درصد) در برنامه های حفاظت از محیط زیست مانند شرکت در پاکسازی روستا، شرکت در برنامه های بذریابی و بذریابی در سطح کم است. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد که میزان استفاده بیشتر پاسخگویان از منابع اطلاعاتی (مانند برنامه های رادیویی و تلویزیونی، کتاب و مجلات) در سطح کم (۴۴/۹۰ درصد) است. همچنین، در نهایت اینکه دیدگاه و نگرش زنان روستایی نسبت به حفاظت از محیط زیست مثبت بوده و موافق برنامه های حفاظت از محیط زیست می باشند.

جدول ۳- طبقه بندی ویژگی های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست

(n=۳۰۱)

سطوح		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		متغیر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۸	۶	۱۳۵	۴۴/۹۰	۷۸	۲۵/۹۰	۵۴	۱۷/۹۰	۱۶	۵/۳۰	میزان استفاده از منابع اطلاعاتی		
۳	۱	۶۸	۲۲/۶۰	۱۵۶	۵۱/۸۰	۶۹	۲۲/۹۰	۵	۱/۷۰	میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی		
۱۱	۳/۷۰	۵۹	۱۹/۶۰	۱۲۷	۴۲/۲۰	۹۰	۲۹/۹۰	۱۴	۴/۷۰	انگیزه برای حفاظت از محیط زیست		
۳	۱	۱۰۱	۳۳/۶۰	۱۰۵	۳۴/۹۰	۶۶	۲۱/۹۰	۲۶	۸/۶۰	میزان ویژگی های شخصیتی		
۲۱	۷	۱۸۳	۶۰/۸۰	۵۶	۱۸/۶۰	۳۴	۱۱/۳۰	۷	۲/۳۰	میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست		
سطوح		کاملاً مخالفم		مخالفم		بی نظرم		موافقم		کاملاً موافقم		متغیر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
.	.	.	.	۹	۳	۱۱۹	۳۹/۵۰	۱۷۳	۵۷/۵۰	میزان نگرش نسبت به حفاظت از محیط زیست		

بررسی رابطه بین ویژگی های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی پاسخگویان در رابطه با حفاظت از محیط زیست و میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست

ضرایب همبستگی محاسبه شده برای متغیرهای میزان درآمد ($I=0/250$ و $P \leq 0/01$)، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی ($I=0/507$ و $P \leq 0/01$)، میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی ($I=0/274$ و $P \leq 0/01$)، ویژگی های شخصیتی ($I=0/534$ و $P \leq 0/01$) و میزان مشارکت پاسخگویان در برنامه های حفاظت از محیط زیست ($I=0/647$ و $P \leq 0/01$) با میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست نشان می دهند رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد. قابل ذکر است که برای توصیف میزان همبستگی از الگوی دیویس (صدیقی و درویش نیا، ۱۳۸۱) استفاده شده است. این الگو به شرح ذیل می باشد: $0/08$ و پایین تر= بدون ارتباط؛ $0/01$ تا $0/09$ = ارتباط ناچیز؛ $0/1$ تا $0/29$ = ارتباط ضعیف؛ $0/3$ تا $0/49$ = ارتباط متوسط؛ $0/5$ تا $0/69$ = ارتباط نسبتاً قوی؛ $0/7$ و بالاتر= ارتباط خیلی قوی (جدول ۴).



بررسی ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که رابطه میان میزان سن ($P > 0/05$ و $t = 0/072$)، سطح زیرکشت ($P > 0/05$ و $t = 0/021$)، انگیزه برای حفاظت از محیط زیست ($P > 0/05$ و $t = -0/012$) و نگرش پاسخگویان به حفاظت از محیط زیست ($P > 0/05$ و $t = 0/020$) با میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست معنی‌دار نیست. بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد، قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و میزان توانمندسازی آنان در حفاظت از محیط زیست هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۴).

جدول ۴- همبستگی بین ویژگی‌های اطلاعاتی، آموزشی، انگیزشی، شخصیتی، نگرشی و مشارکتی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست و میزان توانمندسازی آنان در حفاظت از محیط زیست ($n=301$)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	شدت همبستگی
سن	۰/۰۷۲	۰/۲۱۳	بدون ارتباط
سطح زیرکشت	۰/۰۲۱	۰/۷۵۸	بدون ارتباط
انگیزه برای حفاظت از محیط زیست	-۰/۰۱۲	۰/۸۳۶	بدون ارتباط
نگرش نسبت به حفاظت از محیط زیست	۰/۰۲۰	۰/۷۳۴	بدون ارتباط
میزان درآمد	۰/۲۵۰***	۰/۰۰۰	ضعیف
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	۰/۵۰۷***	۰/۰۰۰	نسبتاً قوی
میزان مشارکت در برنامه‌های آموزشی- ترویجی	۰/۲۷۴***	۰/۰۰۰	ضعیف
ویژگی‌های شخصیتی	۰/۵۳۴***	۰/۰۰۰	نسبتاً قوی
میزان مشارکت در برنامه‌های حفاظت از محیط زیست	۰/۶۴۷***	۰/۰۰۰	نسبتاً قوی

** $P \leq 0,01$

نتایج حاصل از آزمون تی‌استیودنت نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین پاسخگویان مجرد و متأهل ($P > 0/05$ و $t = -0/161$) در ارتباط با توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست وجود ندارد. این وضعیت در حالی است که نتایج حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین پاسخگویان مالک و غیرمالک زمین زراعی ($P \leq 0/05$ و $t = 2/187$) در ارتباط با میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست وجود دارد. بطوریکه میزان توانمندی زنانی که مالک زمین زراعی خویش می‌باشند نسبت به زنانی که زمین ندارند، به طور معنی‌داری بیشتر است (جدول ۵).

جدول ۵- بررسی میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست در رابطه با مالکیت زمین و وضعیت تأهل ($n=301$)

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	میانگین	آزمون t	سطح معنی‌داری
مالکیت زمین	بلی	۱۸۰	۸۳/۸۳	۲/۱۸۷*	۰/۰۳۰
	خیر	۹۳	۸۰/۹۷		
وضعیت تأهل	مجرد	۳۲	۸۳/۵۳	-۰/۱۶۱	۰/۸۷۲
	متأهل	۲۶۹	۸۳/۹۰		

* $P \leq 0,05$



بمنظور بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر میزان توانمندی زنان از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس استفاده گردید. نتایج نشان داد که اختلاف معنی داری بین میزان توانمندی پاسخگویان در رابطه با سطح تحصیلات آنان وجود دارد، بطوریکه نتیجه آزمون دانکن نشان داد که میانگین توانمندی پاسخگویانی که سطح تحصیلات آنها بالای دیپلم (دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر) است نسبت به پاسخگویانی که بی سواد یا سطح تحصیلات آنها در حد خواندن نوشتن است، بیشتر می باشد (جدول ۶).

جدول ۶- بررسی میزان توانمندی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست در رابطه با سطح تحصیلات (n=۳۰۱)

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
		۹۹۰,۶۱۲	۶	۵۹۴۳,۶۷۳	بین گروهها
.۰/۰۰۰	۷/۳۱۷**	۱۳۵,۳۸۰	۲۹۴	۳۹۸۰۱,۷۴۲	داخل گروهها
		-	۳۰۰	۴۵۷۴۵,۴۱۵	کل

p < ۰/۰۵ = * p < ۰/۰۱ = **

مدل پیش بینی کننده میزان توانمندسازی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست

در این تحقیق، برای پیش بینی میزان توانمندسازی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش رگرسیون گام به گام با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. شایان توجه است که تحلیل رگرسیون چندگانه با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیشگویی متغیر وابسته می پردازد. روش گام به گام روشی است که در آن قوی ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می شوند و این کار تا زمانی ادامه می یابد که خطای آزمون معنی داری به پنج درصد برسد. پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی دار، متغیرهای "میزان ویژگی های شخصیتی، میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی، میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی" در معادله باقی ماندند. این متغیرها توانایی تبیین ۵۴/۳۰ درصد از تغییرات متغیر میزان توانمندسازی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست را دارا می باشند (جدول ۷). بررسی ضرایب بتا نشان می دهد که دو متغیر ویژگی های شخصیتی و میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست بترتیب بیشترین نقش را در توانمندسازی زنان در زمینه حفاظت از محیط زیست را دارا می باشند.

جدول ۷- ضرایب رگرسیون چندگانه گام به گام - متغیر وابسته: میزان توانمندسازی در حفاظت از محیط زیست (n=۳۰۱)

Sig	t	Beta	B	متغیرهای مستقل
.۰/۰۰۰	۷/۴۸۶	-	۲۹/۴۹۵	عدد ثابت
.۰/۰۰۰	۵/۲۶۸	.۰/۳۴۰	.۰/۶۸۰	میزان ویژگی های شخصیتی (X _۱)
.۰/۰۰۰	۴/۱۶۱	.۰/۲۱۶	.۰/۶۶۸	میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی (X _۲)
.۰/۰۰۰	۴/۹۳۲	.۰/۳۱۳	.۰/۴۵۷	میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست (X _۳)
.۰/۰۲۴	۲/۲۷۳	.۰/۱۳۲	.۰/۳۲۶	میزان استفاده از منابع اطلاعاتی (X _۴)

۰/۷۳۷R= ۰/۵۴۳R^۲= ۶۹/۶۷۰F= ۰/۰۰۰P=



بحث و نتیجه گیری

نتایج توصیفی تحقیق نشان دادند که میزان توانمندی حدود ۹۰ درصد پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست در سطح متوسط به بالا است. این وضعیت در حالی است که تقریباً ۱۰ درصد پاسخگویان، این میزان توانمندی را در سطح ضعیف بیان کردند. همچنین، بیشتر پاسخگویان میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی، میزان انگیزه برای حفاظت از محیط زیست و میزان ویژگی های شخصیتی خویش را در سطح متوسط؛ و میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست و همچنین میزان استفاده خویش از منابع اطلاعاتی را در سطح کم ابراز نموده اند. نتایج نشان داد که نگرش زنان روستایی نسبت به حفاظت از محیط زیست مثبت بوده و موافق برنامه های حفاظت از محیط زیست می باشند.

نتایج تحلیلی حاصل از ضرایب همبستگی نشان دادند رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد بین میزان توانمندی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست با میزان درآمد (موافق یافته های حسنی و همکاران، ۱۳۸۶؛ کیمیایی، ۱۳۹۰؛ رفیعی و امیر نژاد، ۱۳۸۸)، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی (موافق یافته نیکنامی، ۱۳۸۵)، میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی (موافق یافته های رضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱؛ عزمی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰؛ قلی پور و رحیمیان، ۱۳۹۰؛ وسکوئی اشکوری و لاهیجانیان، ۱۳۸۹؛ رفیعی و امیر نژاد، ۱۳۸۸؛ کریمی و همکاران، ۱۳۸۶؛ شریعتی و زیادبخش، ۲۰۰۶)، میزان ویژگی های شخصیتی (موافق یافته های حاجی ابراهیمی، ۱۳۸۲؛ کارن، ۲۰۰۰؛ پارسونز^۶، ۲۰۰۱) و میزان مشارکت پاسخگویان در برنامه های حفاظت از محیط زیست (موافق یافته های عزمی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰؛ میردامادی و همکاران، ۱۳۸۹) وجود دارد. بطوریکه افزایش سطح مشارکت، استفاده از کانالهای ارتباطی و منابع اطلاعاتی، ایجاد و تقویت ویژگیهای شخصیتی از جمله عواملی هستند که در تقویت ابعاد فرهنگی و اجتماعی زنان موثرند و این مسئله می تواند در تعامل و واکنش آنها نسبت به مسئله حفاظت از محیط زیست تاثیرگذار باشد. نتایج تحلیلی حاصل از مقایسه میانگین ها نشان دادند که تفاوت معنی داری بین پاسخگویان مالک و غیرمالک زمین زراعی در ارتباط با میزان توانمندی آنان در حفاظت از محیط زیست وجود دارد. بدین صورت که میزان توانمندی زنانی که مالک زمین زراعی خویش هستند نسبت به زنان غیرمالک به طور معنی داری بیشتر است. توجه نتیجه حاصله این است که مالکیت بر زمین، احتمال درگیر شدن افراد را با فعالیتهای کشاورزی و طبیعی افزایش می دهد و این مسئله بصورت مستقیم و غیر مستقیم در کنش و تعامل مثبت انسان با طبیعت نقش دارد، بطوریکه نمود آشکار آن در حفاظت از محیط زیست مطرح می گردد. مسئله عدم تملک زنان، به دلیل باورهای جنسیتی موجود در جامعه است که به ضرر زنان عمل می کند. زنان کار خانگی انجام می دهند و دستمزدی بابت آن دریافت نمی کنند و این به معنی آن است که از نظر مالی به مردان وابسته می شوند و به پول یا پشتوانه مالی که از خود آنها باشد دسترسی ندارند. کتابی و همکاران (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خویش این فرضیه را مورد آزمون قرار داده و صحت آن را تأیید کردند. نتایج نشان داد که توانمندی زنانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند بیشتر می باشد. بطوریکه توانمندی زنانی که سطح تحصیلات آنها بالای دیپلم (دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر) است نسبت به پاسخگویانی که بی سواد یا تحصیلات آنها در حد خواندن و نوشتن است، بیشتر می باشد. این یافته با نتیجه تحقیق رفیعی و امیر نژاد (۱۳۸۸) همخوانی دارد. بنابراین برنامه ریزی و تلاش در راستای ارتقاء وضعیت سواد و تحصیلات زنان، بعنوان عاملی موثر در جهت افزایش توانمندی آنان در جهت برنامه های حفاظت از محیط زیست می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان دادند که متغیرهای "میزان ویژگی های شخصیتی، میزان مشارکت در برنامه های آموزشی- ترویجی، میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی" توانایی تبیین ۵۴/۳۰ درصد از تغییرات متغیر میزان توانمندسازی پاسخگویان در حفاظت از محیط زیست را دارند. از طرفی، با بررسی ضرایب استاندارد شده مشخص گردید بررسی ضرایب بتا نشان می دهد که دو متغیر ویژگی های شخصیتی و میزان مشارکت در برنامه های حفاظت از محیط زیست بترتیب بیشترین نقش را در توانمندسازی زنان در زمینه حفاظت از محیط زیست را دارا می باشند.

^۶ Parsons



پیشنهادها

- بر اساس نتایج حاصله و در راستای توانمندسازی زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست پیشنهادات زیر ارائه می گردد:
- ۱- القاء اهمیت و ضرورت حفاظت از محیط زیست با استفاده از کانالهای ارتباطی و اطلاعاتی از قبیل برنامه های تلویزیونی، رادیویی، افزایش سطح دسترسی به منابع اطلاعاتی محلی از قبیل فیلم های آموزشی- ترویجی، کتاب ها، مجلات و روزنامه ها بویژه منابع اطلاعاتی مرتبط یا وابسته با فعالیتهای محیط زیست
 - ۲- برگزاری کلاس های آموزشی - ترویجی ویژه زنان با هدف ایجاد و تقویت مهارتهای شخصیتی از قبیل افزایش سطح مسئولیت پذیری و همفکری زنان
 - ۳- تقویت حس مشارکت زنان و ارتقاء سطح فعالیتهای داوطلبانه با در نظر گرفتن مشوقهای مناسب
 - ۴- مهیا نمودن بستر لازم بمنظور آموزش و ارشاد زنان، فرهنگ سازی کودکان و مشارکت در تدوین برنامه های حفاظتی با برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی - ترویجی دانش افزایی و مهارت اندوزی درباره محیط زیست
 - ۵- فراهم نمودن شرایط اعتباری و اجرایی در راستای همکاری و مشارکت زنان در برنامه های نظارتی، کنترل و حفاظت از محیط زیست روستا مانند مشارکت در جلسات پاکسازی و برنامه های بذریاشی

منابع

- آقاجانی میر م (۱۳۸۷) بررسی موانع مشارکت زنان در حفاظت از محیط زیست و نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آموزش زیست محیطی. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- اسمعیلی س (۱۳۸۶) نقش آموزش های مردمی فضای سبز شهرداری تهران در سالم سازی محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- حیدری غ. و جهان نما ف (۱۳۸۲) توانایی های زنان در بخش کشاورزی- روستایی. پژوهش زنان. دوره ۱، شماره ۶. صص: ۱۶۳-۱۲۹.
- رفیعی ح. و امیرنژاد ح (۱۳۸۸) بررسی نقش آموزش در افزایش تمایل افراد به حفاظت از محیط زیست. مجله علوم محیطی. سال هفتم. شماره اول. صص: ۱۰۸-۹۵.
- رمضانی قوام آبادی م ح (۱۳۹۱) بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت ها و تنگناها. فصلنامه راهبرد. سال بیست و یکم، شماره ۶۵. صص: ۲۵۷-۲۳۳.
- شادی طلب ژ. (۱۳۸۴) توسعه و چالش های زنان در ایران، چاپ اول. تهران: انتشارات قطره.
- صدیقی ح. و درویش نیا ع الف (۱۳۸۱) بررسی میزان موفقیت شرکت های تعاونی تولید روستایی استان مازندران. مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۲. صص: ۳۲۳-۳۱۳.
- عزمی الف. و مطیعی لنگرودی ح (۱۳۸۹) مروری بر مشکلات زیست محیطی روستاهای ایران و راهکارهای حل این مشکلات. مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳. صص: ۱۱۵-۱۰۱.
- کتابی م، یزد خواستی ب. و فرخی راستابی ز (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. پژوهش زنان. دوره ۱، سال سوم، شماره ۷. صص: ۳۰-۵.
- کرمی پورشمس آبادی م (۱۳۷۸) ارزیابی چارچوب نظری در خصوص چگونگی آموزش محیط زیست در نظام آموزش و پرورش کشور. رساله دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- کیمیایی س ع (۱۳۹۰) شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰. صص: ۱۵-۲۹.
- قلی پور الف. و رحیمیان الف (۱۳۸۸) رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی پژوهشی، رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰. صص ۶۲-۲۹.



میردامادی س م،، علیزاده فرد م. و علیمردیان پ (۱۳۸۹) بررسی رابطه بین مشارکت مردم و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی در طرح حلبه رود (مطالعه موردی استان تهران). مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲ - ۴۱، شماره ۴. صص: ۵۶۴ - ۵۵۷.
نیک نامی م (۱۳۸۵) توانمندسازی زنان روستایی از طریق کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات. همایش زنان و اینترنت در هزاره سوم. تهران: مرکز مطالعات سپاه پاسداران.

وسکوئی اشکوری ن. و لاهیجانیان الف (۱۳۸۹) بررسی نقش آموزش زیست محیطی در مدیریت زیست محیطی زنان روستایی (مطالعه موردی: مناطق غرب استان مازندران). فصلنامه علوم و فنون منابع طبیعی، سال پنجم، شماره چهارم. صص: ۸۸ - ۷۵.
یوسفیان ج (۱۳۸۷) نقش زنان و به ویژه زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست. همایش سیمای زن در جامعه. قم: دانشگاه الزهرا.

International Development Research Centre (۲۰۰۳) A decade of women's empowerment through local government in India. Workshop report, October ۲۰-۲۱, New Delhi.

Karen K (۲۰۰۰) Human behavior communities. organization Group in macro social environment, Canada.

Krejcie R V and Morgan D V (۱۹۷۰) Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement. ۳۰: ۶۰۸.

Parsons R J (۲۰۰۱) Specific practice strategies for empowerment based practice with women: A study of two groups. Affilia- journal of women and social work. ۱۶ (۲): ۱۵۹-۱۷۹.